

ممنوع معامله شدن کارمندان ایرانی

بی - بی - سی
شمشیر داماکلس

قابل توجه ایرانیان

امیر فیض- حقوقدان

بطوریکه اخبار منتشره میگوید؛ جمهوری اسلامی ۱۵۲ تن از کارمندان بی بی سی را در ایران ممنوع معامله کرده و دولت بریتانیا هم ضمن اعتراض و در واکنش به این اقدام جمهوری اسلامی وعده افزایش فشار در جهت رعایت حقوق بشر را به جمهوری اسلامی داده است.

بیش درآمدی برای بی در آمدی بسیار بزرگ

اقدام جمهوری اسلامی نسبت به ممنوع معامله کردن کارمندان بی بی سی که دارای تابعیت دوگانه هستند یک اقدام قانونی و منطبق با قانون مدنی قبل و بعد از شورش ۵۷ است؛ و اصولاً میتوان گفت که قانون مدنی ایران که در زمان سلطنت رضاشاه کبیر بتصویب مجلس رسید ماده هشتم آن که مربوط به مالکیت اتباع بیگانه است اقتباس و ترجمه از بند دوم ماده سوم قانون مدنی فرانسه است که به دارندگان تابعیت خارجی و یا دارندگان تابعیت مضاعف اجازه مالکیت در ایران را نمیدهد، و حق مالکیت آنها محدود به خانه ای برای سکونت و محلی برای کسب است که آنها با انجام تشریفات بسیار سختی که تواما از سوی اداره کل ثبت اسناد و وزارت خارجه و مقامات اطلاعاتی کشور مواجه میشود امکان دارد؛ و در مواردی کلا دارنده تابعیت خارجی نمیتواند بیش از ۲۰۰۰ یا ۱۰۰۰ مترمربع (یادم نیست) ملک در ایران داشته باشد؛ آنها به شرط معامله متقابل.

مقصود از ممنوع معامله بودن با مصادره اموال تفاوت دارد؛ ممنوع معامله همانطور که از عنوان آن بر میآید مالک از طریق دفاتر اسناد رسمی از نقل و انتقالات ملک محروم میگردد تا بکار او رسیدگی شود.

شمشیر داماکلس

اجرای قانون مالکیت اتباع بیگانه نسبت به کارمندان بی بی سی همانند همان شمشیر معروف داماکلس است که هر لحظه در اثر اشتباه و یا خطائی بر سر انسان فرود میآید.

تصور میشود که اگر مسئله سوء استفاده های کلان از جمله داستان خاوری پیش نیامد شاید هم پیش در آمد استفاده از قانون مالکیت برای اتباع خارجی و یا ایرانیان دارای تابعیت مضاعف پیش نیامد، و شاید هم مسئله استفاده از قانون مزبور بخصوص علیه ایرانیان خارج کشور بصورت یک سلاح قانونی و حتی

ملی را بتوان از سیاست ها اخیر جمهوری اسلامی نسبت به مخالفان خود گرفت، که این دومی بظاهر بیشتر قابل قبول است.

آقای حسین نقوی حسینی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس اسلامی در تاریخ ۲۸ دیماه سال ۹۵ گفت «ایرانیان دارای تابعیت دوگانه حق داشتن ملک در ایران را ندارند».

اظهار نظر حسین نقوی که تکرار قانون بود، چندان جدی گرفته نشد؛ کما اینکه اقدام جمهوری اسلامی علیه کارکنان بی بی سی هم از سوی ایرانیان خارج از کشور چندان جدی گرفته نشد و واکنش وزارت خارجه انگلیس هم تا بخواهی مسخره و زیر سوال است چرا که وزارت خارجه انگلیس گفته است: «ما هم متقابلاً فشار حقوق بشری را علیه جمهوری اسلامی افزایش میدهیم».

معنای واکنش وزارت خارجه انگلیس این است که یکی از مواردی که سازمان حقوق بشر وزارت خارجه انگلیس تحمل آنرا ندارد و ناچار به واکنش میشود این است که کشورها قوانین داخلی خودشان را به اجرا بگذارند آنهم قوانینی که از حقوق ناشیه از حق حاکمیت آن کشورهاست.

شگرد جمهوری اسلامی

شگرد جمهوری اسلامی برپهنه های اجرایی ماده ۹۸۹ قانون مدنی استوار شده است. بهتر است از متن آن ماده مطلع شویم تا راحت تر به شگرد جمهوری اسلامی برسیم.

ماده مزبور چنین است:

[[هر تبعه ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی بعد از تاریخ ۱۲۸۰ شمسی تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد تابعیت خارجی او کان لم یکن بوده و تبعه ایران شناخته میشود ولی در عین حال کلیه اموال غیر منقول او با نظارت مدعی العموم محل به فروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت آن به او داده میشود و بعلاوه از اشتغال به وزارت و معاونت وزارت و عضویت در مجالس مقننه و انجمن های ایالتی و بلدی و هرگونه مشاغل دولتی محروم خواهد بود.]]

جمهوری اسلامی با استفاده از قانون مزبور خواهد توانست دست قانونی او باز خواهد بود که هر ایرانی خارج از کشور که معمولاً دارای تابعیت مضاعف است را مسلوب معامله بنماید و متعاقباً اموال غیر منقول آن ایرانی را با نظارت مدعی العموم (یعنی جمهوری اسلامی) بفروشد، و در اینجا است که عوامل جمهوری اسلامی از این طریق روی دارائی های ایرانیان خواهند افتاد، و اموال غیر منقول آنها را به قیمت های بسیار نازل و اجرای قانون ۵ درصد بها بمنظور نگهداری آن که در جمهوری اسلامی بتصویب رسیده چندر غاز باقیمانده را آنهم اگر ایرانی مزبور بتواند به ایران بیاورد به او بدهند.

دقت کنید قانون مزبور به مالک اجازه و حق نمیدهد که ملکش را بفروشد بلکه این حق دولت است

و میدانید که دولت در نظام جمهوری اسلامی یعنی چه؛ و امثال ناطق نوری ها چه تعداد منتظر فرصت برای چپاول اموال مردم از طریق حکم دولت هستند.

دستاوردهای این طرح

*** نمیتوان تصور کرد که جمهوری اسلامی ماده ۹۸۹ قانون مدنی را در مورد تمامی ایرانیان دارای تابعیت مضاعف به اجرا بگذارد، زیرا اولاً گروه عظیمی از ملاحا و عوامل حکومتی دارای تابعیت های مضاعف میباشند، و از سوی دیگر دشوار است تا ۵ یا ۶ میلیون ایرانی مقیم خارج از کشور را مشمول ماده مزبور ساخت.

*** از آنجا که ممنوع معامله با اجرای ماده ۹۸۹ قانون مدنی تفاوت دارد یعنی اجرای ماده مزبور متضمن خلع ید از ایرانی و انجام تشریفات فروش و امثال آنهاست و این مسائل زمان گیر و کاری سنگین خواهد بود، جمهوری اسلامی با استفاده از ممنوع معامله ساختن ایرانیان دارای تابعیت دوگانه سنگ مورد نظرش را خواهد انداخت، و کافی است به ثبت اسناد و دفاتر اسناد رسمی بخشنامه شود که ایرانیان خارج از کشور حتی آنها که داخل کشور هستند برای انجام معامله غیرمنقول باید گواهی عدم داشتن تابعیت دوگانه را ارائه دهند؛ همین سنگ نوعی انتزاع مالکیت افراد است که نیازی به تشریح و در دسر و تبعات آن نیست.

*** این چنین تصمیمی سبب نزول قیمت املاک و رکود معاملات خواهد شد و در نهایت یک تشویش عمومی بر سر ایرانیان خارج از کشور فرو خواهد ریخت.

*** جمهوری اسلامی با استفاده از این حربه حقوقی خواهد توانست سیگنالی به ایرانیان مخالف بدهد که اگر در صف مخالفان قرار گیرند بدانند که دارایی ها آنان ضامن اقدامات و مخالفت آنها با جمهوری اسلامی است.

*** جمهوری اسلامی با استفاده از قسمت آخر ماده ۹۸۹ قانون مدنی خواهد توانست یک تسویه اساسی از کسانی که دارای تابعیت آمریکایی بوده و مشاغل دولتی را در جمهوری اسلامی یدک میکشند بنمایند و این امری است که همواره مورد نگرانی آمریکا در دولت روحانی بوده و هست.

*** در جریان شورش ۵۷ کسانی که اموالی از طرفداران و نزدیکان شاه را به دولت معرفی میکردند حق تقدیمی برای آنها در تصرف نسبت به آن اموال بوجود میآمد (ناطق نوری بدعت گذار این جریان بوده است) و در نهایت، این امر خلاف قانون و اخلاق بصورت سنتی در جمهوری اسلامی درآمده است. بنا بر این بر روال همین سنت، ایرانیان خارج از کشور که تاکنون به تابعیت دوم خودشان اهمیتی نمیدادند و رعایت مخفی کاری را لازم نمیدانستند؛ متوجه این خطر خواهند بود که هم ولایتی آنها با استفاده از آگاهی و اسنادی که موید تابعیت دوم افراد است اسباب مزاحمت هائی برای آنان فراهم آورند.

*** خطر فقط از ناحیه ایرانیان برای ایرانیان دارای تابعیت مضاعف نیست؛ بلکه آژانس های اطلاعاتی که در چنین مواقعی خود را در اختیار دولت ها قرار میدهند خطر بزرگتری است که موقعیت مایملکی ایرانیان دارای تابعیت آمریکا و یا سایر کشورها را تهدید میکند.

****** میتوان این نتیجه نهایی را قابل پیش بینی دانست که ایرانیان خارج از کشور عملاً درگروگان جمهوری اسلامی قرار خواهند گرفت که اموال غیرمنقول و نیز سلب تابعیت آنها از ابزاری است که به فصل گروگان بودن آنها را اقتدار میدهد.

راه کار

این تحریر در مقام ارائه یک راهکار منطقی و قانونی برای سد ساختن این تعرض جمهوری اسلامی نیست؛ و اگر اشاراتی دارد برای خالی نبودن تحریر و احتمالاً پیگیری حقوقدانان و توجه ایرانیان است.

****** بنظر میرسد که دولت های کشورهای که ایرانیان قبول تابعیت آنها را کرده اند به استناد حقوق بین الملل موظف به حفظ حقوق و مالکیت افراد تبعه کشور خود میباشند و لذا دولت های آن کشورها از جمله آمریکا میتوانند علیه جمهوری اسلامی به دیوان دادگستری لاهه از جانب اتباع خود داد خواهی و تقاضای توقف اجرای ماده ۹۸۹ قانون مدنی را داشته باشد.

****** بنظر نمیرسد که ایرانیان بتوانند در محاکم داخلی نسبت به اقدامات احتمالی جمهوری اسلامی بشرحی که عرض شد دادخواهی کنند زیرا علاوه بر مشکلات ناظر که همگان از آن آگاهیم اصل ۴۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز قبول تابعیت دوم را از اسباب سلب تابعیت ایران دانسته است و در نتیجه اجرای اصل مزبور جایی برای ادعای مالکیت برای کسی که تابعیت او لغو شده است باقی نمیگذارد.

فراموش نشود که اصل ۴۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی مغایر بند دوم ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر است.

